# رسالهٔ فی معرفه اصولالخط من الدائره و النقط از کتاب راحه الصدور و آیه السرور محمدبن علی راوندی در آموزش خوشنویسی

**محمدباقر اشرفیان بناب[۱*]، حسن بلخاری قهی[۲]**

۱. دانشجوی دکتری هنرهای تجسمی، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشکده هنرهای تجسمی،، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۲. استاد گروه مطالعات عالی هنر، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشکده هنرهای تجسمی،، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۱۷، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰)

## چکیده
رسالهٔ «فی معرفه اصول‌الخط من الدائره و النقط»، نوشتهٔ محمدبن‌علی راوندی در قرن ششم هجری، در عین کوتاهی نوشتار متن، یکی از کهن‌ترین مکتوبات تعلیمی خط در تاریخ خوشنویسی ایران است. این رساله در انتهای کتاب راحه الصدور و آیه السرور قرار گرفته‌است که بخش تاریخی آن برداشتی از سلجوق‌نامهٔ نیشابوری است. هدف این مقاله ضمن بررسی روند شکل‌گیری شخصیت هنری راوندی، بررسی این رساله و شیوهٔ تعلیمی آن و اهمیت آن به‌عنوان یکی از اولین رساله‌های تعلیمی خط است. پرسش‌ها: محتوای رسالهٔ معرفه اصول الخط چیست؟ روند شکل‌گیری شخصیت هنری راوندی و فعالیت وی چگونه بوده‌است؟ شیوهٔ آموزش راوندی در متن رسالهٔ معرفه اصول الخط چگونه است؟ این تحقیق از جمله تحقیق‌های بنیادی است و به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده‌است. روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای بود. نتایج: رسالهٔ معرفه اصول الخط در آموزش خوشنویسی مبتنی بر خط محقق و با الهام از شیوهٔ آموزشی خط منسوب ابن‌بواب، که شیوهٔ آموزشی بر پایه هندسهٔ حروف است، تدوین شده‌است. راوندی با تصویرسازی کلامی، آموزش هندسی حروف را با تشبیه همراه می‌کند تا در ذهن و قلم هنرآموز بهتر بماند. روند شکل‌گیری شخصیت هنری و فرهنگی راوندی در تالیف این رساله موثر بوده‌است.

## واژه‌های کلیدی
رسالهٔ فی معرفه اصولالخط من الدائره و النقط، محمدبن‌علی راوندی، خوشنویسی، راحه الصدور و آیه السرور.

*نویسندهٔ مسوول، ایمیل: aminashi57@gmail.com

[ Downloaded from art-studies.ir on 2026-09-05 ]

## مقدمه

آن‌چه که از تعلیمات فنون کتابت و کتاب‌آرایی در تاریخ هنر ایران در دست داریم، کتاب و رساله‌هایی است که هنرمندانی دست به قلم خط نگاشته‌اند. از دوره‌های تاریخی به‌خصوص از دوران اقبال به خوشنویسی و کتابت، تعدادی رساله و کتاب ارزش‌مند در دست است که خطوط شش‌گانهٔ ابن‌مقله و حتی نستعلیق و شکسته‌نستعلیق که خطوط جدیدتری محسوب می‌شده‌اند، مورد بررسی آن‌ها قرار گرفته‌اند که برخی از این رساله‌ها و کتاب‌ها مثل «صراط‌السطور» و «گلستان هنر» و «مدادالخطوط» مرجع شناخته شده‌تری بوده‌اند. برخی نیز مانند «رسالهٔ تعلیم الخطوط» علی‌بن‌حسین خوشمردان، معروف به سیدبابا و «فوایدالخط» محمد بخاری و «قوانین‌الخطوط» محمودبن‌محمد و موارد دیگر، هر از گاهی، مورد اقبال پژوهش‌گران قرار می‌گیرند. در این میان «رسالهٔ معرفه اصول‌الخط من الدائره و النقط» از محمدبن‌علی راوندی، در قرن ششم‌هجری اثری کوتاه ولیکن مهم است که به‌صورت رساله‌ای از رسالات کتاب راحه‌الصدور و آیه السرور نوشته شده‌است، که به‌نظر می‌رسد از نخستین رساله‌های تعلیمات خط به جای مانده در تاریخ هنر ایران باشد که به دست ما رسیده‌است.

نویسنده که شخصیتی است پرورده در خاندانی هنرور و اهل کتابت و کتاب‌آرایی، از سنت این فن و هنر در سنین نوجوانی بهره‌مند شده و ورود وی به دربار سلجوقیان و اشتغالش به کار کتابت و تذهیب، او را به مهارت و بلاغت این فن تجهیز کرده‌است. رسالهٔ نوشته شدهٔ وی در باب تعلیم خط، نشانه‌هایی از سنت‌های آموزشی خوشنویسی در بین قدما به‌خصوص دوران پیش از سلجوقیان، که منابع و مدارک زیادی از آن در دست نداریم را مشخص می‌کند. از این باب رسالهٔ حاضر در متن گستردهٔ راحه الصدور که یک تاریخ‌نگاری روایی است، ارزش‌های تعلیمی و سوابق تعلیمی را هم‌زمان به‌دست می‌دهد. ضمن آن‌که در خود کتاب راحه الصدور، نکات مختصر اما مهمی از تاریخ‌نگاری هنر سلجوقیان نیز به اشاره ثبت شده‌است. باری این رسالهٔ کوتاه، از منابع ارزش‌مندی است که از قرن ششم هجری در باب هنر به دست رسیده‌است. هدف این پژوهش ضمن بررسی روند شکل‌گیری شخصیت راوندی، بررسی این رساله و شیوهٔ تعلیمی آن در آموزش خط است. بررسی این رساله، نکات مهم و موجزی در باب روش قدما درآموزش و جایگاه نوشتار را در دربارهای سلجوقی که اطلاعات کمی از آن در دست داریم، مشخص می‌کند. این اطلاعات می‌تواند مرجعی برای شناخت اولین سنت‌های آموزشی هنر در ایران در زمینهٔ خوشنویسی باشد و به این پرسش‌ها پاسخ دهد: محتوای رسالهٔ معرفه اصول‌الخط چیست؟ روند شکل‌گیری شخصیت هنری راوندی و فعالیت وی چگونه بوده‌است؟ شیوهٔ آموزش راوندی در متن رسالهٔ معرفه اصول الخط چگونه است؟

## روش تحقیق

این پژوهش از مطالعات پژوهشی بنیادی است و از نظر ماهیت به روش توصیفی- تحلیلی به زندگی و روند شکل‌گیری شخصیت فرهنگی نویسندهٔ کتاب راحه الصدور و معرفی رسالهٔ فی معرفه‌اصول الخط می‌پردازد و شیوهٔ آموزشی و نوشتاری رسالهٔ معرفه اصول‌الخط من الدایره و النقط را مورد واکاوی قرار می‌دهد. جمع‌آوری اطلاعات این پژوهش از منابع کتابخانه‌ای است.

## پیشینهٔ تحقیق

در موضوع خود کتاب راحه الصدور و آیه السرور راوندی، بدون توجه به برداشت‌های فاحشی که از کتاب «سلجوق‌نامه» در بخش تاریخ‌نگاری کرده‌است، مقالاتی از منظر ادبیات و تاریخ نگاشته شده و به دلیل ماهیت ادبی و تاریخی این کتاب، پژوهش‌ها بیشتر در حول موضوعات فرعی در این دو منظر است.

[ Downloaded from art-studies.ir on 2026-09-05 ]

مقالهٔ « راحه الصدور و آیه السرور از نظرگاه فواید ادبی آن.»، نوشتهٔ مجاهد غلامی، نشریهٔ نامهٔ فرهنگستان، تابستان ۱۴۰۲، که از منظر خود متن کتاب و رسالات و نوع نگارش آن پژوهش کرده و اطلاعاتی دربارهٔ خود راوندی و کتاب داده است و پرداخت مستقیمی به رسالهٔ معرفه اصول‌الخط در این مقاله نشده است.

مقاله با عنوان «جایگاه تاریخ‌نگاری راحه الصدور و آیه السرور راوندی.»، عبدالرضا کلمرزی، نشریهٔ پژوهش تاریخ، دورهٔ ۱۱ شماره،۱۳ پاییز ۱۴۰۰، این پژوهش بر پایهٔ ارزش تاریخ‌نگاری رساله در باب تاریخ سلجوقی به راحه الصدور پرداخته است و ورودی به بحث رسالهٔ خط نمی‌کند.

مقالهٔ « وجوه مشترک ابعاد قدرت سیاسی حکومت‌ها در تاریخ بیهقی و راحه الصدور و آیه السرور.»، نوشتهٔ پوران پورتات، مریم صادقی و اشرف شیبانی‌مقدم، نشریهٔ جستارنامهٔ ادبیات تطبیقی، دورهٔ ۵، شمارهٔ ۱۸، زمستان۱۴۰۰. این مقاله به تطبیق نوشته‌هایی از دو کتاب ذکر شده، در باب سیاست دوران مربوط به دو اثر تاریخ‌نگار و شناخت وجوه مشترک در آن‌ها پرداخته به رساله‌های دیگر به‌خصوص رسالهٔ مورد نظر ما اشاره‌ای نشده‌است.

مقاله‌ای با عنوان «راحه الصدور و آیه السرور به‌مثابه منبعی برای مطالعات تاریخ‌اجتماعی هنر»، نوشتهٔ ابراهیم موسی‌پور بشلی، گلستان‌هنر، شمارهٔ ۱۹، تابستان ۱۳۹۹، به ارزش تاریخ‌نگاری دورهٔ سلجوقی کتاب راحه الصدور می‌پردازد و گویا نویسنده از حضور مطالب کتاب اصلی سلجوق‌نامهٔ ظهیرالدین نیشابوری اطلاعی نداشته‌است و در این میان به اطلاعاتی که راوندی در باب هنر می‌دهد، پرداختی گذرا دارد. مانند اطلاعاتی در باب تحصیل هنر در میان خاندان‌های حاکم و رونق کار خطاطان در دوران طغرل بن ارسلان که خود از متن اصلی کتاب که برداشت‌های راوندی از کتاب ظهیرالدین است، برآمده و نویسندهٔ مقاله به رسالهٔ معرفه اصول‌الخط نپرداخته‌است.

مقاله‌ای با عنوان «تتبعی در راحه الصدور راوندی»، نوشتهٔ محسن محمدی‌فشارکی، مجلهٔ تاریخ اسلام، پاییز ۱۳۸۱، که از قدیمی‌ترین مقالات در این زمینه است، نیز تنها به بررسی خود کتاب پرداخته و منظر نگاه آن، بیشتر محتوای ادبی و نوشتاری است.

رسالهٔ دکتری با عنوان «بررسی جلوه‌های بلاغت در کتاب راحه الصدور و آیه السرور راوندی»، نوشتهٔ رسول بهنام قراجلر به راهنمایی سیروس شمیسا، دانشگاه بین‌المللی قزوین، دانشکدهٔ ادبیات و علوم‌انسانی (۱۳۸۹) که به رویکرد زیبایی‌شناسی فنون ادبی و بلاغت این کتاب پرداخته و ارزش‌های ادبی متن را مورد نظر قرار داده‌است.

نوشته‌های پراکنده‌ای در کتاب‌های مربوط به تاریخ سلجوقی نیز می‌توان یافت که ضمن بررسی اهمیت منابعی چون راحه الصدور و سلجوق‌نامه، به سرقت ادبی راوندی از سلجوق‌نامه پرداخته‌اند، که در ادامه اشاره خواهد شد.

## محمدبن‌علی راوندی و کتاب راحه‌الصدور و آیه‌السرور

نجم‌الدین ابوبکر محمدبن‌علی‌بن‌سلیمان راوندی کاتب و خوشنویس قرن ششم هجری «در خاندانی ادب‌پرور در راوند کاشان به دنیا آمد. جد مادری‌اش محمدبن‌علی‌بن‌احمد راوندی، از علمای بزرگ بود» (موسی‌پور بشلی، ۱۳۹۹، ۳۸) . مرگ پدر راوندی در کودکی و قحطی آن سال‌ها و فقر روزگار و سختی معیشت برای او، چون بسیاری مردم در آن سال‌های پر از رنج، تجربهٔ ناگواری بود. «ظاهرا ولادت مؤلف میانهٔ سال ۵۵۰ و ۵۵۵ اتفاق افتاده‌است. زیرا در مقدمهٔ کتاب گوید که وی چون از مکتب ادب و

[ Downloaded from art-studies.ir on 2026-09-05 ]

تحصیل لغت عرب فراغ یافت، پدرش درگذشت و به جهان جاویدان شتافت و بلافاصله از عزیمت خود به تکمیل علوم و حصول موانع به سبب قحطی در سنهٔ ۵۷۰ سخن می‌راند و به حسب عادت می‌توان گفت که او در این هنگام ۱۵ یا ۲۰ سال داشته و ولادت او به تقریب در اوایل نیمهٔ دوم از قرن ششم و میانهٔ سال ۵۵۰ و ۵۵۵ واقع گردیده‌است» (اقبال، ۱۳۸۶، پنج). از زندگی‌نامهٔ خودنگار کوتاه راوندی، مشخص می‌شود که در خانواده‌ای اهل فضل و علم و کتابت می‌زیسته‌است و با مرگ پدرش در سنین پایین، و مشکلات اجتماعی دوران او از علم‌آموزی باز نمی‌ماند و مورد حمایت قرار می‌گیرد و در این دوران «خالش تاج‌الدین احمدبن‌محمدبن‌علی راوندی، او را در کنف حمایت گرفت. این خال او اهل فضل و ادب بود و صاحب آثار و در خط صاحب طریق و رأی و فتاوی صادر می‌کرد و چند مدرسه و خانقاه را در همدان، امیرجمال‌الدین به او واگذاشته بود. محمد رواندی مدت ۱۰ سال در خدمت او بود و مهم‌ترین شهرهای عراق را با او سیاحت کرد و هفتادگونه خط در همین سفرها ضبط کرد و مصحف‌نویسی و تذهیب و تجلید را فراگرفت و از همین طریق کسب می‌کرد» (مایل‌هروی، ۱۳۷۲، ۳۸). حاصل این دوران نسخه‌هایی بوده که به‌صورت مشترک با دایی خود آفریده‌است. از جمله، قرآن نفیس و ارزش‌مندی از آثار این دایی راوندی با تذهیبی که کار خود راوندی است و مربوط به همین دوران است در کتابخانهٔ آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود که به خط نسخ شیوهٔ ایرانی و با تذهیب و طلااندازی تزیین شده‌است (تصویر ۱). آن‌چه مسلم است آموزش‌های پایه‌ای راوندی نزد همین دایی فاضل پاگرفت و آموختن هنرهای ظریفه و خوشنویسی او را در زمینهٔ کتابت، کاتبی مسلط و تذهیب‌کاری ماهر ساخت و حمایت وی در کنار ارتباطی که دایی دیگر وی، محمود با دربار غیاث‌الدین طغرل‌بن‌ارسلان ملک همدان داشت، او را به اشتغال در فنون کتابت و کتاب‌آرایی مشغول‌تر کرد. «سلطان طغرل‌بن‌ارسلان شاه، در هنر خوشنویسی مهارت داشت...آن سلطان از محمودبن‌محمدراوندی، خوشنویسی را فراگرفت» (فروزانی، ۱۳۹۴، ۴۶۷) و خود به آن می‌پرداخت و چون دایی فاضل و خطاط راوندی، محمود در خدمت این حاکم سلجوقی «کتابت مصحف سی‌پاره را ابداع کرد و مصحفی در سی‌جزء نوشت، محمد راوندی کتابت او را تذهیب و تکحیل کرد. چرا که به سبب معرفت خط آن‌چه او تکحیل می‌کرد، بهتر می‌نمود» (مایل‌هروی، ۱۳۷۲، ۳۹) . همکاری در تذهیب و کتابت این قرآن راوندی را در منظر توجه بیشتری قرار داد. راوندی در این باب «به تفصیل سخن می‌گوید و می‌افزاید چون این قرآن به زیبایی تمام تذهیب و آراسته شد و مقدار قابل توجهی وجه صرف آن گردید، آن‌گاه در دسترس قرار گرفت» (شیمل، ۱۳۸۹، ۹۹). هرچند نمی‌دانیم این کدام نسخه از قرآن است، قطعا با چنین توصیفات و داستان تولیدش اثری نفیس بوده‌است. نسخهٔ آستان قدس رضوی (تصویر ۱) شیوهٔ نوشتاری خط نسخ خاندان راوندی که مشخصه‌های خط نسخ ایرانی را دارد و تذهیبی که خود راوندی بر آن زده و طلاکاری‌های ظریف عناوین و قطعه‌بندی با دندان‌موشی‌های دور نوشته‌ها، را تا حد زیادی به ما نشان می‌دهد؛ هرچند این نسخهٔ نفیس قرآن، خوشنویسی احمد، دایی مهتر، بوده است.

یادگیری هر چه بیشتر فنون کتاب‌آرایی در این محیط که تولید کتاب به‌صورت منظم و تخصصی اجرا می‌شد، برای راوندی جوان فرصتی برای اعتلای بلوغ هنری او بود. «طبیعی است که تولید کتاب تا تجلید فرایند خاصی را طی می‌کرده‌است و هر یک از هنرمندان در بخش‌ها و حجره‌های خود کار می‌کرده‌اند و پس از اتمام کار خاص خویش آن را به بخش‌های دیگر تحویل می‌دادند تا کار ویژهٔ خود را در آن اجرا کنند» (آژند، ۱۳۹۱، ۲۸). از توصیف راوندی از فعالیت‌های کارگاه، به‌نظر می‌رسد حضور وی با دایی‌اش در این فضا که از اولین کارگاه‌های

[ Downloaded from art-studies.ir on 2026-09-05 ]

تصویر ۱. انجامه، قرآن کریم به خط احمدبن‌محمدبن‌علی الراوندی، تذهیب محمدبن‌علی‌بن‌سلیمان راوندی، سدهٔ ششم، کتابخانهٔ آستان قدس رضوی (نامهٔ بهارستان، ۱۳۹۲، ۱۴۸).

سلطنتی نام برده شده در متون است، به کتابت و تذهیب آثار قابل‌توجهی انجامیده. «گفتنی است که سنت کتاب‌آرایی دورهٔ سلجوقیان که نشانه‌هایی از آن در بعضی متون این دوره، نظیر راحه الصدور راوندی باقی است، در شکل‌گیری مکتب بغداد و تغذیهٔ آن بسیار موثر بوده‌است» (همان). از این بابت شکل‌گیری و فعالیت کتابخانهٔ طغرل‌بن‌ارسلان شاه و دیگر صاحب‌قدرتان سلجوقی، با ساختار کتابخانه و تربیت و حمایت هنرمندان و انتظام در اجرای آثار مکتوب، بر سنت‌های کتاب‌آرایی سلطنتی دیگر دوره‌ها که مکتب‌های شناخته‌شده‌تری هستند، موثر واقع شده‌است. این گرایش و حمایت فرهنگی سلجوقیان خود آغازی برای گسترش هنر و علم و فرهنگ در بلادی بود که بر آن حاکم بودند. به‌طور کلی نه تنها در دربار، بلکه در شهرهای بزرگ هم «سلاجقه و شخصیت‌های بلندپایهٔ آنان، عزمی قوی در ایجاد مدرسه‌ها داشتند. دانشکده‌هایی که علوم سنتی اسلامی در آن‌جا آموخته می‌شد و کارگزاران سلجوقی در آن‌ها به تحصیل می‌پرداختند» (هلین برند، ۱۳۹۱، ۸۶). این مدارس به تالیف کتب و گسترش علم می‌انجامید و برای تکثیر این کتاب‌ها، کاتبان و مذهبان و تصویرسازان به کار و فعالیت گماشته می‌شدند و این فعالیت چه به‌صورت داخل منزل و در حجره‌ها کاتبان و نسخه‌پردازان و چه به‌صورت درباری یا در مکتب و مدارس بزرگ یا در گوشه‌ای از منزل، انجام می‌پذیرفت. از این روی

[ Downloaded from art-studies.ir on 2026-09-05 ]

مکتوبات بیشتری از این جریان به‌دست می‌آید که در طول تاریخ، این سنت به شکل‌های دیگری ادامه پیدا می‌کند. رونق کار کاتبان ارتباط مستقیم داشت با گسترش علم در جامعه و اقبال و علاقه پادشاهان و حاکمان و صاحبان زر و سیم و قدرت به امر کتاب‌سازی و کتاب‌آرایی و نوشتار و علم و گسترش آن.

باری فعالیت راوندی در این محیط مناسب تا زمان زمامداری طغرل دورهٔ پرکاری را نشان می‌دهد، اما با مرگ طغرل «راوندی به آسیای صغیر رفت و به دستگاه کیخسرو اول که در ۶۰۷-۶۰۱ ق برای بار دوم به سلطنت رسیده بود، تقرب جست» (همان). در ابتدای راحه الصدور و آیه السرور مدح نسبتا پر اغراق و مفصلی برای وی به نام ابوالفتح کیخسرو بن قلج ارسلان نوشته شده که به شعر و نثر مدح شده‌است. چنین است:

«جهانگیر و خداترسی و مقبل بس روا باشد
اگر گویم که هم جم، هم سکندر، هم سلیمانی
سلامت روی وا گیرد اگر تو سعی واگیری
جهان از پیش برخیزد اگر تو فتنه بنشانی
جهان‌بخش و جهان‌گیری زهی قدر و زهی قدرت
که در یک روز اگر خواهی جهان بدهی و بستانی»
(راوندی، ۱۹۲۱، ۲۳).

چنین سروده و ابیاتی، تقریب کاتب را به دربار تضمین می‌کرد و محیط دربار از نظر امکانات دسترسی به کتاب و ابزار و امکان کتابت را برای کاتب فراهم می‌ساخت. راوندی در محیط سلجوقیان که فرهنگ مدیحه‌سرایی شاعران و صله ستاندن از دربار را از سلسلهٔ پیشین خود وام و یاد گرفته‌بود، پرورده‌شد و خود با مدح پادشاه و حاکم زمان و تقرّب و بهره‌گیری از دربار، جایگاهی یافت. به‌نظر می‌رسد روش ارتباط با دستگاه قدرت، چون سایر تعلیمات که از دایی‌هایش آموخته بود نیز به کارش آمد و از مدح و ثناهایی که برای حامی خود می‌کند، برمی‌آید که راه زندگی کاتبان در فراغ و نعماتِ صاحب حکومت را خوب می‌دانسته‌است.

## راحه الصدور و آیه السرور و برداشت بی‌ذکر منبع از سلجوق‌نامهٔ خواجه ظهیرالدین نیشابوری

با تالیف کتاب راحه الصدور، راوندی خود را از شخصیت کاتب و تذهیب‌کار و نسخه‌پرداز به نویسنده‌ای تاریخ‌نگار سوق و ارتقا داد. «تالیف کتاب راحه الصدور به موجب اشارهٔ مولف در سال ۵۹۹ آغاز شده و در سنهٔ ۶۰۳ اختتام یافته و راوندی آن را به‌وسیلهٔ جمال‌الدین ابوبکربن‌ابوالعلاءِ رومی که در آن هنگام ظاهرا به قصد تجارت به همدان رفته بود، به قونیه فرستاده و به غیاث‌الدین کیخسرو تقدیم نموده‌است» (راوندی، ۱۳۸۶، هفت). در تکمیل این گفتار باید از کتابی دیگر نام ببریم که بدون ذکر آن، سخن گفتن از راحه الصدور شایسته نیست و وجود آن، اصالت تالیف راحه الصدور را در بخش تاریخ نگاری سلجوقیان به چالش می‌کشد.

ظهیرالدین نیشابوری متوفای ۵۸۲ هجری، که راوندی او را از معلمان شاهزادگان سلجوقی معرفی می‌کند، کتاب سلجوق‌نامه را که اطلاعات مفیدی در تاریخ سلجوقیان دارد نوشته، که ادامهٔ آن را ابوحامد محمدبن‌ابراهیم در سال ۵۹۹ ه.ق ذیل کتاب سلجوق‌نامه نگاشته‌است و این کتاب منبع مناسبی در مطالعات تاریخ سلجوقی بوده‌است .

یان ریپکا در کتاب «ادبیات ایران در زمان سلجوقیان و مغولان»، در ذیل موضوع تاریخ‌نگاری این دوره به این نکتهٔ اشارهٔ صریحی می‌کند: «راحه الصدور و آیه السرور (۱۲۰۳/۵۹۹) در تاریخ سلجوقیان از نجم‌الدین ابوبکر محمدراوندی، که نوعی سرقت ادبی از سلجوق‌نامهٔ ظهیری نیشابوری است، چرا که حتی یک کلمه هم بیش از مطالب تاریخ مذکور، به راحه الصدور افزوده نشده و حتی وقایع آن در سالی که

[ Downloaded from art-studies.ir on 2026-09-05 ]

وقایع سلجوق‌نامه به پایان می‌رسد، خاتمه می‌یابد» (ریپکا، ۱۳۶۴، ۱۴۴).

این واقعیت بخش تاریخ‌نگاری این کتاب را دربرمی‌گیرد که راوندی ضمن این برداشت بدون ذکر منبع، دخل و تصرف‌هایی هم در متن کتاب الگوی خود می‌کند. ضمن این کار «راوندی از بعضی واژه‌هایی که فهم‌شان را مشکل یافته، چشم‌پوشی کرده‌است» (آژند، ۱۳۶۰، ۴۸) و در متن خود، شرح برخی وقایع را نیز حذف کرده‌است. هم‌چنین در تایید برداشت از سلجوق‌نامه، شواهد دیگری می‌توان برشمرد . اسماعیل‌خان‌افشار در مقدمهٔ سلجوق‌نامه که در سال۱۳۳۲ تصحیح و منتشر شده‌است، می‌نویسد:

«در واقع راجع به تاریخ آل‌سلجوق هیچ کتابی در این خصوص در ید مورخین ایران نبوده، مثلا قسمت تاریخ سلاجقهٔ جامع التواریخ خواجه‌رشید و تاریخ‌گزیدهٔ حافظ ابرو، از این کتاب تلخیص شده» (نیشابوری، ۱۳۳۲، ۷).

شواهدی که وی می‌آورد و نیز خود متون دو کتاب، به خصوص در بخش تاریخ‌نگاری، این برداشت صریح را از متن پیشین صحه می‌گذارد. هم‌چنین وی پیش‌تر در مقاله‌ای در مجلهٔ مهر ضمن اشاره به شواهد محکم ادعای سرقت ادبی راوندی می‌نویسد: «پس از مطالعهٔ دقیق و مکرر راحه الصدور و تطبیق آن با رسالهٔ تاریخ سلاجقه زبده التواریخ و اشارهٔ خود راوندی در مقدمهٔ راحه الصدور، بر من واضح گردید که قسمت تاریخ سلاجقهٔ راحه الصدور از اول تا آخر یعنی از ابتدای سلطنت این خاندان تا طغرل‌بن‌ارسلان، آخرین پادشاه سلاجقهٔ عظام، بدون نقطه‌ای تحریف در عبارت، سرقت از سلجوق‌نامهٔ ظهیری است. منتها در بعضی موارد به اختصار کوشیده و قسمتی از عبارت کتاب را حذف کرده» (خان‌افشار، ۱۳۱۳، ۳۰).

## اصالت رسالهٔ فی معرفه اصول الخط من دایره و النقط

با توجه به اذعان و استفادهٔ هر دو پژوهش‌گر از عبارت«سرقت»، شکی نمی‌ماند در بخش تاریخی این کتاب، قلم ظهیرالدین برداشت شده‌است. با این اتهام اثبات شده، در نگاه اول بعید نیست خود رساله‌های الحاقی مانند معرفه اصول الخط نیز اصالت نداشته باشند؛ اما چنین نیست. دلیلی که می‌توان بر اصالت آن آورد، مهارت و تخصص خود راوندی در خطاطی بوده‌است و این امر بر نیشابوری یا نویسندهٔ دیگری که بتوان به این رساله منسوب کرد، متصوّر نیست. دلیل دیگر نکتهٔ مهمی است که محمداقبال مصحح و منتشرکنندهٔ این اثر بیان می‌کند و توضیح می‌دهد که رسالهٔ فی‌معرفه الخط، الحاقی به راحه الصدور، خود قسمتی از یک کتاب کاملی بوده که راوندی در تعلیم خط و خوشنویسی نگاشته بوده‌است و این رساله، کوتاه شده و مختصری از آن است. از سوی دیگر، ادبیات نوشتاری راوندی در این رساله با ابتدای‌کتاب، با ظرایفی متفاوت می‌نماید و این رساله از سوی دیگر بسیار کوتاه شرح داده می‌شود و از پرگویی هم‌چون نوشتار مفصل و پر شرح بخش تاریخی پرهیز می‌کند. در انتها دلیل مهم‌تر عدم حضور این رساله و رساله‌های الحاقی در سلجوق‌نامه است که کتابی است تاریخی.

## رسالهٔ فی معرفه اصول الخط من الدایره و النقط

راوندی در ابتدای کتاب بعد از نوشته‌های آغازین، قسمتی را به‌عنوان سبب نگارش کتاب اختصاص داده و در آن‌جا ذکر می‌کند: «... و سبب تالیف این کتاب آن بود که در شهور سنهٔ ثنانین و خمس مایه، خداوند عالم رکن‌الدنیا والدین، طغرل‌بن‌ارسلان را هوای مجموعه‌ای بود از اشعار در سر افتاده بود؛ خال دعاگوی زین‌الدین می‌نوشت و جمال نقاش اصفهانی، آن را صورت می‌کرد. صورت هر شاعری می‌کردند در عقبش شعری می‌آوردند و مضاحکی

[ Downloaded from art-studies.ir on 2026-09-05 ]

چند می‌نوشتند و....» (راوندی، ۱۹۲۱، ۵۷).

راوندی در این شرح که ادامه‌دار است، اشارات جالبی به فعالیت کارگاهی می‌کند که چنین فعال و پویا بوده‌است. او هم‌چنین «اشاراتی بر وجود هنر نقاشی در دورهٔ سلجوقیان دارد که بیان‌کنندهٔ کیفیت این هنر در نزد سلاطین سلجوقی است» (آژند، ۱۳۸۹، ۹۶) و ضمن تصویر کردن فعالیت کارگاه کتابت در کتابخانهٔ سلطنتی طغرل، از نقاشی به نام جمال اصفهانی نام می‌برد که هرچند از او اثری مشخص به‌دست نیامده‌است، اما این ذکر از اولین نام‌های هنرمندان نقاش است که در تاریخ هنر ایران ثبت شده و با توجه به این‌که در قرن ششم هنوز مکتب منسجم نقاشی در دربارها ثبت نشده‌است، اما این اشاره، خود گواهی بر اشتغال نقاش در کنار تذهیب‌کار و خوشنویس در دربار بوده و دلیلی از وجود کتابخانه‌های مراکز قدرت برای کتابت و آرایه و تذهیب کتاب تا نقاشی و تصویرسازی آن است. سهیلی خوانساری در مقدمهٔ گلستان هنر جمال را « جمال‌الدین نقاش اصفهانی همانا جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی -۵۸۸ه- پدر کمال اسمعیل شاعر معروف» معرفی می‌کند (سهیلی خوانساری، ۱۳۸۳، سی‌وسه). راوندی در چند جای کتاب نیز به کار هنری دربار اشاره می‌کند و مطالبی هرچند گذرا، ولی در خور می‌آورد.

نسخهٔ قدیمی راحه الصدور و آیه السرور در کتابخانهٔ پاریس نگهداری می‌شود و در سال ۱۹۲۱ میلادی به کوشش محمد اقبال تصحیح و در هلند به طبع رسید و چند بار با مقدماتی از اقبال و مجتبی مینوی و بدیع‌الزمان فروزانفر، توسط انتشارات امیرکبیر و اساطیر منتشر شده‌است.

کتاب با حمد و ستایش باری‌تعالی شروع و مدح انبیا و پیغمبر و مدح صحابه و تابعین و علمای دین و مدح سلطان کیخسرو، در ادامه می‌آید. بعد از آن به شرح حالی از خود و استادانش می‌پردازد و در ادامه، ذکر پادشاهان است. بعد از بخش تاریخی، فصل‌های موضوعی ملحق به آن که رساله‌هایی کوتاهند، نوشته شده‌است که رسالهٔ فی معرفه اصول‌الخط در انتها و پیش از فصل فی‌الغالب و المغلوب و خاتمت کتاب درج شده‌است. راوندی ضمن برداشت‌های خود از نیشابوری، این کتاب را به شکل مجموعهٔ رساله‌ها و نوشته‌هایی در باب مضامین متنوع آورده و ملحقات چندگانه‌ای به آن افزوده‌است. نگرش پژوهشی وی در این رسالات، در کنار آن بار ادبی شاعرانه و پر مدیحهٔ ابتدای کتاب، جدیت بیشتری به آن بخشیده‌است. «در ملحقات راحه الصدور و آیه السرور فصلی در باب آداب منادمت و شطرنج و نرد باختن آمده و فصلی نیز در شراب، فصلی در مسابقه و تیراندازی، فصلی هم در شکار» (موسی‌پور بشلی، ۱۳۹۹، ۴۳). کتاب پر است از اشعار پارسی و عربی که در کنار نثر مسجع نوشتهٔ متن به ضرورت جای گرفته‌اند. از میان نوشته‌های به عربی، احادیثی و آیات و تعابیری نیز در کنار اشعار و نثر عربی می‌یابیم که هر از گاهی استفاده شده‌است که تا حد زیادی در این امر افراط کرده و برخی مثل‌های عربی و اشعار، به‌نظر می‌رسد، نوشته وی را بی‌جهت پر کرده‌اند و لزومی به آن نیست. سجع و آرایه‌های کلامی و خودنمایی ادبی در کتاب مشهود است و این سنت معمول بر آمده از آن تکلف و تزیین کلامی معمول در نثر قرن چهارم تا هشتم و حتی بعدها، چه در سبک خراسانی و چه سبک عراقی، در بسیاری از نوشته‌های متون پارسی که بیشتر در حیطهٔ ادبیات تعلیمی و حتی حِکمی بوده‌اند، دیده می‌شود.

چنین است که در گسترهٔ تاریخ ادبیات تعلیمی در ایران، توجه به نوشتن کتاب و رساله‌هایی در آموزش فنون ادبی و کتب وابسته به شعر و نثر رواج داشت که تالیفات شمس‌قیس‌رازی، رشیدالدین وطواط، نظامی‌عروضی و دیگران از آن جمله است. «راوندی در نقلی از امیرالشعرا و سفیرالکبرا، شمس‌الدین احمدبن‌منوچهر شصت‌کله، که قصیدهٔ تتماج از

[ Downloaded from art-studies.ir on 2026-09-05 ]

اوست؛ یک برنامهٔ آموزشی مجرب، برای یادگیری شعر در آن عصر را ذکر کرده‌است» (همان). چنین تعلیماتی در دوران شکوفایی امر تعلیم در مدارس بزرگ سلجوقی و علاقه‌مندی بسیاری از حاکمان به شعر و ادب پارسی و اشتغال شعرا و مدیحه‌سرایان در دربارها، موجب تالیف رساله‌هایی در باب بدیع و عروض و فنون ادب بود. در این دوران است که کاتب نیک‌نویس از نظر فن خط را در کنار ادیب و شاعر و عالم و دانشمندی قرار می‌دهد که نیک‌اندیشی می‌کند و این پیوند در استنساخ و کتاب‌آرایی کتب، موثر واقع می‌شود و گسترش آن در دوره‌های بعدی با پختگی بیشتری نسخه‌های نفیس خوش‌نگار را پدید می‌آورد.

مشخص است که عافیت کار در کتابخانهٔ سلطنتی، عاقبت نیکی برای راوندی داشته و او ضمن برخورداری از موهبت منابع موجود و در دسترس، تجربیاتی ذی‌قیمت در این رهگذر اندوخته بوده‌است. اشتغال او در استنساخ کتب و مهارت‌های کتابت او و تجربیاتی که از تعلیمات ادبی نزد خال خود یافته‌بود، او را کاتبی پرکار معرفی می‌کند. «او علاوه بر راحه الصدور، کتاب شرف‌النبی و معجزاته اثر عبدالملک‌بن‌محمد خرگوشی را نیز ترجمه کرد که ظاهرا دو نسخه از آن در دست است. راوندی که حنفی متعصبی بود، ظاهراً کتابی در رد شیعه و کتاب دیگری در اصول خوشنویسی نوشته‌است که هیچ کدام از آن‌ها در دست نیست» (موسی‌پور بشلی، ۱۳۹۹، ۳۹).

## آموزش در رسالهٔ فی معرفه اصول‌الخط من الدایره والنقط

رسالهٔ کوتاه معرفه اصول‌الخط از ملحقات راحه الصدور، در عین کوتاه بودن، رسالهٔ مهمی در شناخت ما از نوع آموزش مهارت خط در دوران قدیم می‌باشد و البته که به جرأت می‌توان گفت، در نوع خود از اولین رساله‌های مهم در این زمینه است که به دست ما رسیده است. با توجه به کثرت استفاده از شعر در کتاب و این رساله و شیوهٔ آموزشی که راوندی در تعلیم‌خط به کار گرفته، این نکات را می‌توان استنتاج کرد:

-شیوهٔ آموزش فنون و مهارت‌های نوشتاری و البته بسیاری از مضامین دیگر در دوران اوج ادبیات پارسی چنین بوده‌است که شعر و کلام موزون در تثبیت آموزش‌ها و توضیحات معمول بوده و به‌کار می‌رفته‌است. در بسیاری از کتب علمی و آموزشی دیگر هم می‌بینیم که گاهی نویسنده، برای تفهیم بیشتر شعری را سروده یا از دیگران در ذیل آموزش‌های خود می‌آورد و این روش هم به تلطیف کلام، هم در به یادماندن مطلب از جهت موزون بودن کلام کمک می‌کند و بسته به موضوع و مضمون کتاب، بهره‌مندی از شعر نیز متفاوت بود و در کتب فلسفی و تاریخی و به‌خصوص در ادبیات و هنر مرتبط بودند، این امر بیشتر نشان داده شده‌است. امروزه نیز اساتید خط، سرمشق و آموزهٔ خط را گاهی به شعری الصاق می‌کنند، تا در خاطر هنرآموز بماند. مثلا در آداب تعلیمی خوشنویسی از شعرای پیشین اشعاری است که هنوز استادان خط از آن بهره می‌برند و البته در این میان کار دیگری نیز صورت می‌گیرد و آن تعلیمات اخلاقی است که گاهی در نوشتن سرمشق‌های هفتگی اتصالات حروف و کلمات به شاگردان داده می‌شود و این یک نوع آموزش غیرمستقیم اخلاق به شاگرد است که در متن فتوت‌نامه‌ها در ایران بسیار معمول بوده و هر جایی و فنی، به شکلی اجرا می‌شده‌است که اکنون بسیار کمتر در آموزش پیشه و صنایع می‌توان نشانه‌ای از آن یافت. رسالهٔ راوندی کاملا منطبق با این شیوه نگاشته شده‌است و سابقهٔ چنین روشی را می‌توان از آن دریافت کرد.

-سیر آموزشی راوندی و اندوخته‌های متنوع هنر کتابت و کتاب‌آرایی و ادب و فن از یک سو و پختگی او در طی تجربه‌های فرهنگی در دربار از سوی دیگر، او را در موقعیت مناسبی برای تالیف و تدوین

[ Downloaded from art-studies.ir on 2026-09-05 ]

و پیش‌برد آموزه‌های خود قرار داده‌است. در دوران محرومیت عامهٔ علاقه‌مندان به علم و فرهنگ و ادب، از دسترسی به دارالکتب و امکانات فرهنگی و علمی، اقبال این امکان مسیر رشد را هموار می‌کرد و بر کسب تخصص فرد می‌افزود. تخصص و مهارت استادانهٔ خوشنویسی به‌خصوص در نسخ و محقق، در کار نوشتاری این رساله به چشم می‌آید. استفاده از شکل دایره و ترسیم حروف در مسیر و معبر قطرهایی که راوندی در آموزش حروف خط محقق توضیح داده و در کتابش از آن بهره می‌برد، اشاره‌ای به آگاهی و دانش هندسی او در زمینهٔ تعلیماتی که دیده و روش معمول آموزش خوشنویسی در محیطی که او آموزش یافته نیز می‌کند. در قرون اولیه، نظام سادهٔ هندسی در آموزش خط به‌کار می‌رفته و شیوه‌های آموزش با نقطه و حرکات زبان قلم و خط‌چین و خطوط راهنمای نیش‌قلم که در سنت‌های اخیر آموزش خوشنویسی معمول است، به‌کار نمی‌رفته‌است. این شیوه را ابداع ابن‌بواب و به نام خط منسوب می‌شناسند. شیوهٔ آموزش راوندی به‌عنوان یکی از اولین نمونه‌های آموزش خط در شیوهٔ قدما، اطلاعاتی مشخص از سنت آموزش‌خط را در نگاه اول به ما می‌دهد.

## محقق: رسم الخط معیار رساله فی معرفه اصول‌الخط

در این‌جا باید به ورود خط محقق به‌عنوان رسم‌الخط معیار در آموزش خط این رساله اشاره کرد. در دورهٔ سلجوقی به‌کارگیری خطوط تزیینی کوفی در صنایع دستی و تزیینات بناها بسیار معمول بوده‌است و در کتابت نیز خط نسخ بیشترین سهم در نوشتن متون را به خود اختصاص می‌داد. اهمیت این دو خط در این دوره، بسیار چشم‌گیر است که سهم هر کدام در تزیین و کتابت در کنار سایر خطوط معمول در بلاد اسلامی، بیش از سایر خطوط است. از میان خطوطی چون ثلث و ریحان و توقیع و رقاع نیز، ثلث سهم بیشتری دارد؛ اما نه به گستردگی که بعد از قرن هفتم در کاشی‌کاری و کتابت عنوان‌ها می‌یابد. در این میان خط محقق جایگاه دیگری دارد. محقق را که خود از خطوط شش‌گانه است، «ثلث ایرانی» نیز نامیده‌اند و گستردگی محقق در کتابت سرزمین ایران بیش از بلاد دیگر اسلامی بوده‌است و کتابت قرآن‌های نفیس تاریخی به این خط، تنها یکی از دلایل اقبال این شیوهٔ نوشتاری در ایران است. در دورهٔ سلجوقی، خط محقق جایگاه مهمی در مکتوبات و عنوان‌نویسی‌ها دارد و تقریبا همان نقشی که خط ثلث از قرن هفتم به بعد داشته، در این دوره محقق پذیرای آن است. محقق به‌عنوان شیوهٔ نوشتاری مورد اقبال در دورهٔ سلجوقی در کنار نسخ که خط مهم کتابت متون بود، خط معیار تعلیمی بوده‌است. از این روی خطی که در این رساله آموزش داده شده، خط محقق است و تسلط راوندی بر این خط هم از توضیحات و روش تعلیمی او و هم از نمونهٔ مفرداتی که نگاشته مشخص است. محققی که راوندی می‌نویسد با شیوهٔ نوشتاری دورهٔ اوج این خط در تاریخ تیموری که اسلوب محکم‌تر و قوی‌تری یافته‌بود و نفیس‌ترین نمونه‌های تاریخ خوشنویسی محقق را از این دوره با پیشتازی قرآن بایسنقری می‌شناسیم، کمی متفاوت است. این تفاوت در دانگ پایین قلمی است که راوندی استفاده کرده و خطی لاغر اندام را از محقق نشان داده‌است که به قلم کتابت و تحریر نزدیک‌تر است تا جلی‌نویسی که از محقق در کتیبه‌ها و قرآن‌های بزرگ سراغ داریم.

## محتوای رساله

رساله در دو بخش مقدمه و آموزش تک‌حروف و برخی اتصالات تنظیم شده‌است و با مقدمه‌ای در شناخت نظام هندسی رقوم و خط نوشتار شروع می‌شود و به برخی سنت‌های آن اشاره می‌کند:

«عرض می‌شود که رقوم هندسی و اشکال کروی و مثلثات و مسدسات و مربع‌های متساوی‌الاضلاع جمله از دایره و خط استوا برگرفته‌اند و آن‌چه منتهای همت هر صاحب فنی بوده‌است در فن خویش، از این‌جا به در آورده، چنان‌که مستوفیان هند رقوم

[ Downloaded from art-studies.ir on 2026-09-05 ]

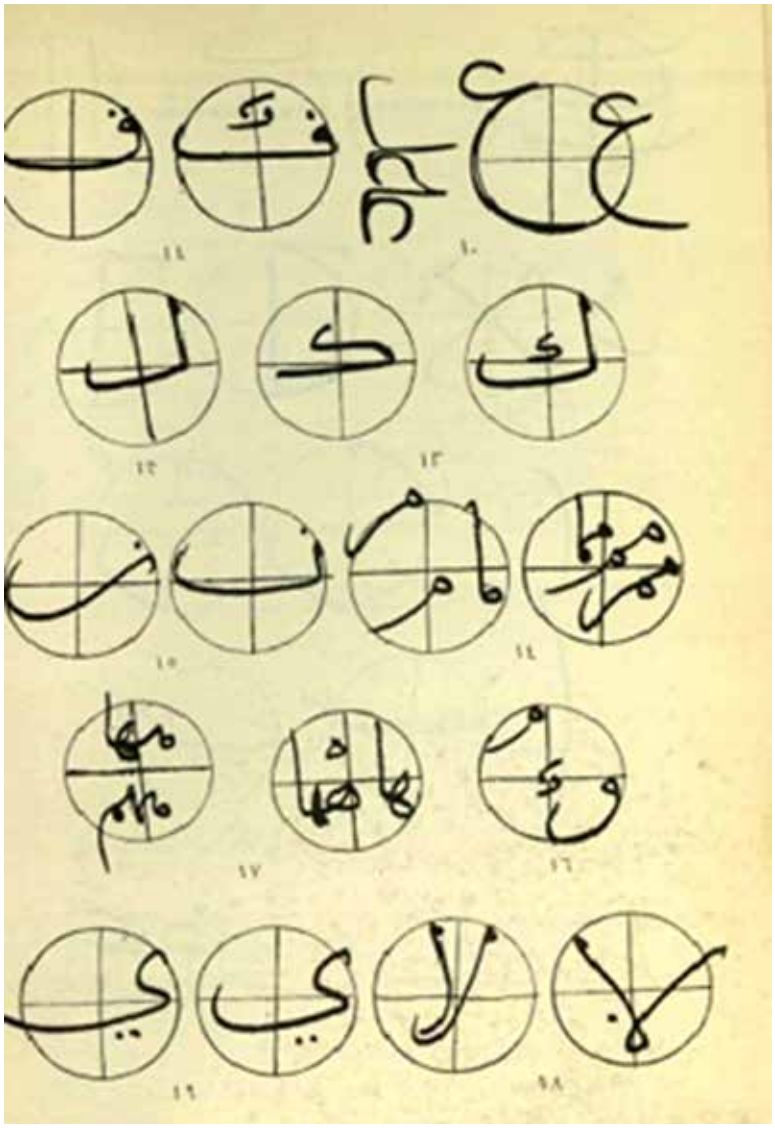

تصویر ۲. آموزش تک‌حروف محور دایره (راوندی، ۱۹۲۱، ۴۳۹).

استیفاء وضع کردند. صفر از دایره برگرفتند و رقم یک از خط استوا و به مقام آحاد و عشرات و مات و الوف از آن حساب کردند» (راوندی، ۱۹۲۱، ۴۳۷).

در ادامه به تفاوت روش نوشتاری مستوفیان رقوم هند و عراق و خراسان می‌پردازد و این مقدمه ادامه دارد تا جایی‌که با پیش کشیدن اشتغال خود به خط و کتابت، هدف خود از نگارش رساله را بیان می‌کند: «و غرض داعی از آوردن خط که پیشهٔ اوست در این کتاب، زیادتی رغبت مردم در طلب کتاب بود تا هر کسی از طالبان به بهانهٔ القاب و انساب و سیرت و سریرت و ذکر دولت و بسطت مملکت و عظمت سلطنت آل سلجوق ببینند و بدانند و چنین خانی را بشناسند که از هنرپروری و مهتری و صیلت صلت و آواز بخشش او که بر در اقطار آفاق، خصوصاً مملکت خوراسان و عراق و سایر و دایر است، نام اسلاف بدو تازه گشته...» (همان، ۴۴۵-۴۴۶).

رغبت مردم به کتاب و داشتن منبع نوشتاری هدف راوندی ذکر می‌شود و حمایت از خط را توسط سلطان سلجوق، هنرپروری می‌شمارد و در عین این‌که هدف خود را در اجتماع جست‌وجو می‌کند و هنر و علم و اثرش را به مردم ربط می‌دهد، آن را به دربار نیز پیوند می‌زند و در ادامه سیاست فرهنگی درباری که از آن متنعم است، می‌شمارد.

زبان نوشتاری مقدمهٔ این رساله، زبانی پیراسته و روان است. در مقدمه ضمن برشمردن سوابق کار و هدف نگارنده از این اثر به اهمیت نگارش و تعلیم خط اشاراتی می‌کند. او از ابن‌مقله و ابن‌بواب هم در این رساله نام می‌برد و چنان می‌نماید که به اقلام ستهٔ ابن‌مقله مسلط بوده است. بعد از اتمام این مقدمه، به توضیح هرکدام از حروف در نظام هندسی خود می‌پردازد (تصویر ۲) و شعری بر آن الحاق می‌کند: «دعاگوی دولت، محمدبن‌علی بن سلیمان‌الراوندی، در هر حرفی اصلی مختصر گفته‌است و دو بیت به نظم آورده تا یاد گیرند و آن را بدارند تا دست از پس آن می‌رود و ده روزه تعلیم با یک روزه آید. إن شاءالله» (راوندی، ۱۳۶۴، ۴۳۸).

این رساله، آغاز آموزش را به روشی که امروزه نیز معمول است از شیوهٔ کتابت حرف **الف** شروع

[ Downloaded from art-studies.ir on 2026-09-05 ]

می‌کند. در توضیح **الف** راوندی از تشبیه الف به قامت مرد و استفاده از دو بیت شعر برای تفهیم بیشتر بهره برده‌است. تشبیه شکل نوشتاری حروف، به فرم اندام انسان و حیوان شیوه‌ای است که حتی امروزه نیز استادان خط از آن به فراخور، برای آموزش خوشنویسی برای نوآموزان بهره می‌برند .از کاتب شاعری چون راوندی این امر پذیراتر است که از صنعت تشبیه و تصویرسازی کلامی و نوشتاری برای تفهیم و ماندگاری بهتر در آموزش‌های خود بهره ببرد و آن را الگویی در کنار الگوی هندسی آموزشی خود قرار دهد. بدین‌ترتیب، راوندی آموزش نوشتاری و تناسبات نوشتاری را با شیوهٔ خط منسوب و شکل هندسی بیان می‌کند و آموزش ذهنی حروف را با تشبیه و تصویرسازی در ذهن مخاطب خود به آن می‌افزاید، تا ضمن تلطیف تعلیم خود، به ماندگاری و دقت آن بیافزاید. این ترکیب روش‌ها بسیار خلاقانه است و اثرگذاری بهتری دارد. وی به مشق عملی مبتنی بر رعایت اصول از قواعد هندسهٔ حروف تاکید می‌کند. شکی نیست که این سنت آموزشی را خود او نیز در تعلیماتش، از استادان آن زمان تجربه کرده‌است:

«قدّ آن، چو مردی باید که راست بایستد و اندک مایه در پشتِ پای خود می‌نگرد» (راوندی، ۱۹۲۱، ۴۳۹).
چنین شیوه‌ای برای توضیح بیشتر در آموزش نوشتن حرف **ها** نیز آمده‌است و دو چشم حرف **ها** به گوش‌های فیل تشبیه شده‌است:
«های دو چشمه‌ای که دو صفر متصاعد بر سر هم باشد، آن را گوش پیل خوانند» (همان، ۴۴۴).

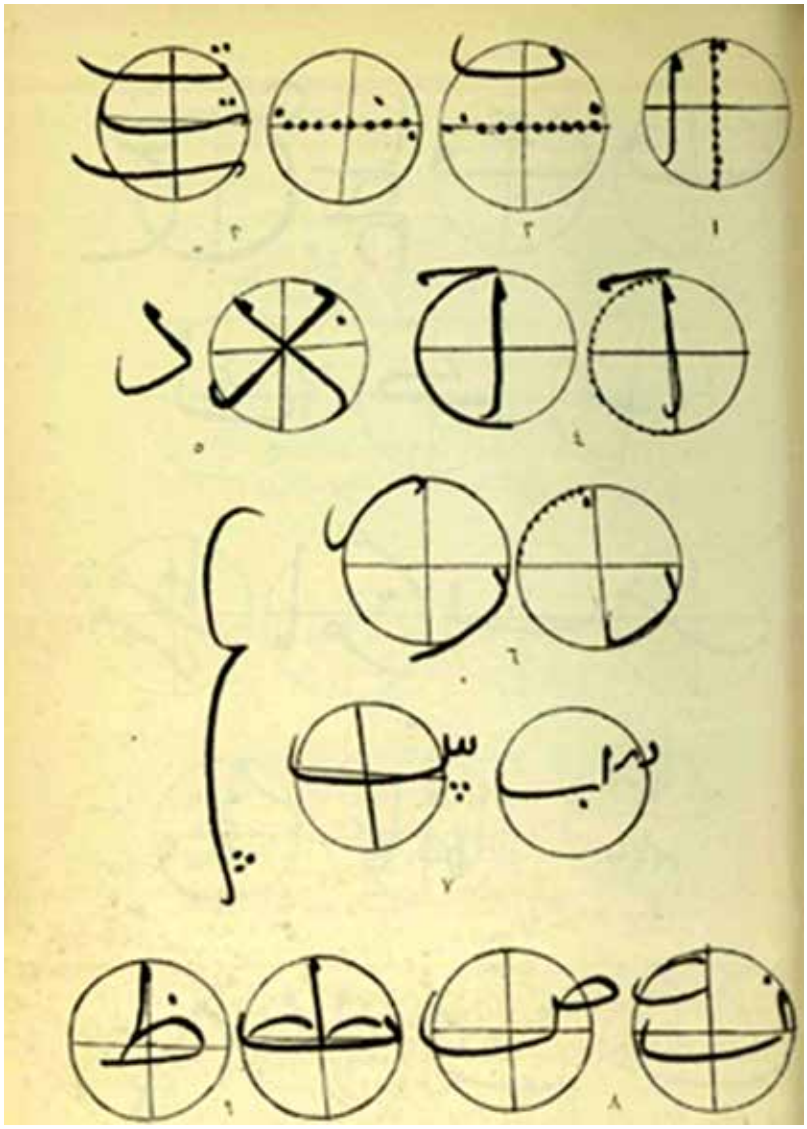

تصویر ۳. آموزش تک‌حروف (راوندی، ۱۹۲۱، ۴۳۸).

این حرف در تصویری که برای آموزش آن به شیوهٔ نظام دایره‌ای آورده تعلیم داده می‌شود و وقتی حرف ه دو چشم با الف به دو صورت ترکیب می‌شود، در بین دو قطر افقی که خود حرف ه در زیر آن قرار دارد و الف بر بالای قطر تا خط محیط بالای دایره امتداد پیدا می‌کند، نوشته می‌شود (تصویر ۲).

بر عکس در حرف **ع** که از کادر دایره خارج می‌شود تا قوس پایین حرف را بتواند آموزش دهد. علاوه بر آن در توضیح حرف **عین**، ضمن تشریح نوشتن و رسم‌الخط نوشتاری حرف که به احتمال زیاد مورد

[ Downloaded from art-studies.ir on 2026-09-05 ]

نظرش نسخ و محقق است، تشبیه دیگری می‌آورد: «**عین** نعلی، صورت نعل باید. چنان‌که دو طرفش مقابل یکدیگر بود. پس سر راست، و این عین جایی ننویسند الا که الف یا لام یا دال از پس آن بود که از عین نعلی کشش ناخوش بود، از صادی خوب آید...» (همان، ۴۴۳).

در آموزش راوندی هر حرفی از شکل حرف پیشینی الگو گرفته و با تغییراتی به صحیح‌نویسی آن آموزش داده می‌شود (شیوهٔ خط منسوب).

به‌عنوان مثال در تعلیم و توضیح حرف **نون** بر اساس این شیوه و قاعده چنین می‌نویسد:
«حرف **نون**: ربع الف و حرف بای تمام است دنبالش گرد برگردیده و نویسند که شکل ت را اندک مایه تقوسی دهند و دنبال گرد برگردند و این را هم نونی نهند. و در نسخ و محقق ربع الف و ت را دنبال از دست بیاندازند، نون است.
**نون** ربع الف باشد و یک با ز اصول
و آنگاه کنند چون گونه به فضول
مانند سین کنند نونی معلول
بی اصل بود عقل ندارد مقبول» (همان، ۴۴۴).

زبان این رساله از امتیازهای آن است که امر آموزش را ساده می‌سازد. راوندی با فرهنگ نوشتاری قرن ششم هجری، زبان تعلیمی ساده‌ای برگزیده‌است. از طرف می‌دانیم که در زمان سلجوقیان و پیش‌تر از ایشان هم، شاعران در توضیح و تشریح یک پدیدهٔ ساده، چنان پیچیدگی ایجاد می‌کردند که گاهی ذهن باید مدتی در نثر و شعر غور می‌کرد تا یک مطلب ساده را بفهمد. راوندی با این شیوهٔ بیانی ساده در نثر و شعر رسالهٔ معرفه اصول‌الخط نشان می‌دهد که در زمان خود نیز، استاد کاتبان بسیاری بوده و این فن توضیح، تنها از عهدهٔ استادی برمی‌آید که بعد از ممارست در تدریس فن خط به بیانی راحت‌تر و قابل فهم‌تر رسیده‌است.

این شیوه در آموزش همه حروف و مشابهات آن‌ها در رساله انجام گرفته‌است.
«تو صورت **ط** از **الف** و از **با** کن یک ربع از دایره در او انشا کن
**ب** را **الفی** میان نویس و زان ربع آخرش به **صاد** و اولش با **طا** کن» (همان، ۴۴۲).

ابتکار او در توضیح نوشتن حروف با اشکال و رسم‌الخط نوشتاری هر کدام از حروف، آموزش را تکمیل می‌کند. وی منطبق با شیوهٔ منسوب، نظام هندسی دایره را برای قالب جای‌گیری حروف خط محقق، برگزیده و با دو قطر عمود و افقی، میزان سنجش برای نوآموز خط را فراهم می‌کند (تصویر ۳).

هرچند این الگوی آموزشی با دایره و شکل هندسی که برای خطی مثل محقق یا ثلث و حتی ریحان و رقاع می‌توانسته مناسب باشد و شکی نیست که کاملا از سنت آموزش‌های برآمده از شیوهٔ قدمایی چون ابن‌بواب بوده باشد، اما در دوران بعد نپایید. امروزه می‌توان این شیوه را شیوهٔ قدما برای آموزش خط دانست که در کنار شیوهٔ آموزش با نقطه و حرکات نیش قلم در مکتب‌های آموزش خط در دوره‌های بعد تغییراتی کرد. اهمیت رسالهٔ راوندی، علاوه بر گشودن چشم مخاطب امروز به برخی سنت‌های آموزشی قرن ششم هجری در مهارت خطنویسی، به‌عنوان یکی از اولین رساله‌های آموزش خط نیز قابل اعتنا و تاکید است.

## نتیجه‌گیری

محمدبن‌علی راوندی، شاعر، خوشنویس قرن ششم هجری و کاتب دورهٔ سلجوقیان ایران، متاثر از محیط فرهنگی خود و تحت سرپرستی دایی‌های فاضلش خط و تذهیب و فنون کتابت را آموخت و در کتابخانه‌های سلطنتی سلجوقیان پرورده شد و در تذهیب و خوشنویسی و سایر فنون کتابت مهارت آموخت. قرآن نفیس آستان قدس رضوی

[ Downloaded from art-studies.ir on 2026-09-05 ]

از بازمانده‌های دوران فعالیت وی با دایی‌اش در کتابخانهٔ سلطنتی سلاجقه است. در دوران بلوغ علمی و هنری‌اش کتاب راحه الصدور و آیه السرور را تالیف و کتابت کرد که بخش تاریخی آن برداشت از سلجوق‌نامه نیشابوری است، اما در ادامه بخش تاریخی که به تاریخ آل‌سلجوق پرداخته، رسالاتی به قلم راوندی آمده‌است. این بخش شامل نوشته‌هایی در مضامینی چون شطرنج و مسابقه و تیراندازی و شکار و شراب و ... است. بخشی از این نوشته‌های موضوعی که رسالهٔ مهمی است و از اولین رساله‌های به‌دست رسیده از گونهٔ آموزش خط و خوشنویسی است، با عنوان «فی معرفه اصول‌الخط من الدائره و النقط» نگاشته شده‌است. راوندی کتاب اصلی در آموزش و کتابت خط نوشته بوده، که به جای نمانده است که به گفته محمد اقبال مصحح راحه الصدور، این رساله بخشی از آن است. رسالهٔ اصول‌الخط با مقدمه‌ای در شناخت نظام هندسی رقوم و خط نوشتار شروع می‌شود و به برخی سنت‌های آن اشاره می‌کند و تاریخچهٔ مختصری از خط و کتابت را با نام بردن از ابن‌مقله و ابن‌بواب در مقدمه می‌آورد. این رساله با خلاقیت راوندی و الهام از شیوهٔ آموزشی خط منسوب ابن‌بواب، که شیوهٔ آموزشی مبتنی بر هندسهٔ حروف است و معیار قرار دادن دایره و حرکات و تناسبات هر حرف نسبت به قطرهای عمود و افق آن نگاشته شده‌است. رساله با شرح و توضیح آموزشی نوشتن حروف که مبتنی بر خط محقق و نسخ است، با ابیاتی از سروده‌های خلاقانهٔ راوندی که آموزش را به کلام موزون درآورده، تا راحت‌تر در خاطر مخاطبش قرار گیرد، تکمیل شده‌است. راوندی با تصویرسازی کلامی خود آموزش حروف را با تشبیه همراه می‌کند، تا در ذهن و قلم هنرآموز بهتر بماند. شیوه‌ای که هنوز در بین خوشنویسان معمول است. با توجه به توضیحات کوتاه راوندی در مقدمهٔ رساله و در تشریح شیوهٔ نوشتن مفردات، او روش قدما را در این رساله به‌کار گرفته‌است. سیر فعالیت‌های راوندی و آموزش‌هایی که او دیده، در شکل‌گیری روش تالیف و آموزش این رساله موثر بوده‌است. اهمیت رسالهٔ حاضر از نظر روش خلاقانهٔ راوندی در شیوهٔ آموزش و شمول آن در ردهٔ اولین رسالات خط، قابل اعتناست. معرفه اصول‌الخط من دائره و النقط؛ شیوهٔخلاقانه، دقیق و درستی در آموزش مفردات حروف خوشنویسی منطبق با خط محقق، در زمان خود ارایه کرده است و روان بودن آموزش نوشتاری نویسنده، نشان‌گر تجربه‌ای است که وی در تعلیم خط در محیط فرهنگی پیرامون خود داشته‌است. این رسالهٔ مهم، هم‌چنین منبعی برای شناخت ما از اهمیت آموزش خوشنویسی خط محقق به عنوان شیوه‌ای پارسی‌نویس در قرن‌ششم هجری و دوران سلجوقیان در ایران است.

## پی‌نوشت‌ها

۱-راوند، روستای کوچکی در ورودی کاشان از سمت جادهٔ قم است که امروزه هیبت یک شهر کوچک را به خود گرفته‌است.

۲- منظور از سی‌پاره همان سی قسمت و سی جزءنویسی قرآن است که تا دوران معاصر نیز بسیاری از کاتبان قرآن آن گونهٔ کتابت کرده و به‌صورت جدای از هم برای خوانش در مساجد به یادگار گذاشته‌اند که شناخته‌ترین آن سی قسمتی‌های کتابت طاهر خوشنویس تبریزی است و این قسمت‌بندی‌نویسی با کتابت یک جلدی متصل به هم قرآن از نظر مجلدات متفاوت است.

۳- اطلاعات این بخش از منبع «راوندی، محمدبن‌علی‌بن‌سلیمان (۱۳۸۶) راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آل‌سلجوق، به تصحیح محمداقبال، مقدمه بدیع‌الزمان فروزانفر و مجتبی مینوی، تهران: اساطیر» تخلیص شده‌است.

## فهرست منابع

آژند، یعقوب (۱۳۶۰)، **تاریخ‌نگاری در ایران**، تهران: نشر گستره.

_____ (۱۳۸۹)، **نگارگری ایران**، تهران: انتشارات سمت.

_____ (۱۳۹۱)، **از کارگاه تا دانشگاه**، تهران: فرهنگستان هنر.

خان‌افشار، اسماعیل (۱۳۱۳)، «سلجوق‌نامهٔ ظهیری نیشابوری و راحه الصدور راوندی»، مجله مهر، سال دوم، شماره ۳، صص ۲۴۵-۲۴۱.

راوندی، محمدبن‌علی‌بن‌سلیمان (۱۹۲۱)، «راحه الصدور و آیه السرور» در **تاریخ آل‌سلجوق**، به تصحیح محمد اقبال، هلند: بریل درلیدن.

_____ (۱۳۶۲)، «راحه الصدور و آیه السرور» در **تاریخ آل‌سلجوق**، به تصحیح محمد اقبال، تهران: امیرکبیر.

_____ (۱۳۸۶)، «راحه الصدور و آیه السرور» در **تاریخ آل‌سلجوق**، به تصحیح محمد اقبال، مقدمهٔ بدیع‌الزمان فروزانفر و مجتبی مینوی، تهران: اساطیر.

ریپکا، یان (۱۳۶۴)، **ادبیات ایران در زمان سلجوقیان و مغولان**، ترجمهٔ یعقوب آژند، تهران: نشر گستره.

[ Downloaded from art-studies.ir on 2026-09-05 ]

سهیلی خوانساری، احمد (۱۳۸۳)، **گلستان هنر قاضی احمد قمی**، تهران: منوچهری.
شیمل، آن ماری (۱۳۸۹)، **خوشنویسی و فرهنگ اسلامی**، ترجمهٔ اسدالله آزاد، تهران: به نشر.
فروزانی، ابوالقاسم (۱۳۹۴)، **سلجوقیان از آغاز تا فرجام**، تهران: سمت.
مایل هروی، نجیب (۱۳۷۲)، **کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی**، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
موسی‌پور بشلی، ابراهیم (۱۳۹۹)، «راحه الصدور و آیه السرور به مثابه منبعی برای مطالعات تاریخ اجتماعی هنر»، گلستان هنر، صص ۹۱-۸۳.
نیشابوری، ظهیرالدین (۱۳۳۲)، **سلجوق‌نامه**، با مقدمهٔ اسماعیل خان‌افشار، تهران: کلاله خاور.
هلین برند، رابرت (۱۳۹۱)، **هنر و معماری اسلامی**، ترجمهٔ اردشیر اشراقی، تهران: نشر روزنه.

[ Downloaded from art-studies.ir on 2026-09-05 ]

# A study on the Treatise on the Introduction of the Principles of Calligraphy from the Circle and the Dots from the Book Raha al-Sidur and Ayat al-Surr by Muhammad ibn Ali Rawandi in Teaching of Calligraphy

**Mohammad Bagher Ashrafian Bonab**
Ph.D. Student, Department of Advanced Studies in Art, Faculty of Visual Arts, University of Tehran,Tehran, Iran.
**Hasan Bolkhari Ghehi**
Assistant Professor, Department of Advanced Studies in Art, Faculty of Visual Arts, University of Tehran,Tehran, Iran.

(Received: 07 Mars 2025, Accepted: 31 May 2025)

## Abstract
The treatise on the introduction of the principles of calligraphy from the circle and the dots, written by Muhammad ibn Ali Rawandi, is one of the oldest calligraphy teaching texts in the history of Iranian calligraphy, and is one of the most comprehensive treatises on calligraphy. It was written in the sixth century AH. This treatise can be considered one of the first surviving calligraphy teaching texts in the history of Iranian art. The writing of this treatise, while being short and avoiding formality, uses literary and poetic devices while teaching calligraphy. The placement of this treatise at the end of the book Raha al-Sudur and Ayah al-Surr, which, according to researchers, is a transcription of the book Seljuq-e-Qanamah by Khwaja Zahir al-Din Neyshaburi without citing the source, does not discredit it, considering the author's knowledge and calligraphic profession, and the introduction written on the treatise, which conveys his knowledge of the art of calligraphy and writing, as does the interpretations of the previous chapters of the book. This article, based on fundamental articles and using a descriptive and content analysis method, examines the process of formation of Rawandi's literary and artistic personality and the course of his artistic activity, while introducing and examining the importance of this treatise from the book Raha al-Sudur, its writing style, and its teaching of calligraphy in the art of calligraphy.

## Keywords
A treatise on the understanding of the principles of calligraphy from the circle and the dots – Muhammad bin Ali Rawandi – Calligraphy – Rahaف al-Saddur and the verse of pleasure

[ Downloaded from art-studies.ir on 2026-09-05 ]